

## پرسش ۵۱۲: تعامل با بدگویان به سیداحمد الحسن(ع)

السؤال / ۵۱۲: بسم الله الرحمن الرحيم

كيف أتصرف مع الذي يتكلمون بسوء على السيد أحمد اليماني(ع)؟؟

المرسل: أمير الدين - استراليا

سؤال / ۵۱۲: بسم الله الرحمن الرحيم

با افرادی که نسبت به سیداحمد یمانی(ع) سخن بد می‌گویند، چگونه رفتارکنم؟؟

فرستنده: امیرالدين - استراليا

الجواب: بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين، وصلى الله على محمد وآل محمد الأئمة والمهدين وسلم تسليماً كثيراً.

ورد بهذا الخصوص البيان التالي للسيد أحمد الحسن(ع):

جواب: بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين، وصلى الله على محمد وآل محمد الأئمة والمهدين وسلم تسليماً كثيراً.

در این مورد بیان ذیل از سیداحمد الحسن(ع) آمده است:

س/ ما هو حكم من يسب نبي أو وصي، ويوجد بعض الجهلة يسبون السيد أحمد الحسن وصي ورسول الإمام المهدي(ع)، فكيف يكون التصرف مع هؤلاء؟

س / حکم فردی که به پیامبر یا وصی فحاشی می‌دهد چیست، بعضی از نادانان هستند که به سید احمد الحسن علیه السلام وصی و فرستاده امام مهدی (ع) فحاشی می‌کنند، برخورد با این افراد چگونه باید باشد؟

ج / حکم من یسب نبیاً أو وصیاً أو السیدة الزهراء (ع) أو من هو فی مقامهم کالعباس بن علی (ع) وزینب (ع) هو القتل بعد التأكد من إصراره علی السب.

ج / حکم فردی که به پیامبر یا وصی یا سیده زهراء (ع) یا فردی که در مقام آنان مانند عباس بن علی علیه السلام و زینب (ع)، فحش دهد، قتل بعد از قطعی شدن بر اصرار وی به فحش دادن است.

أما من یسبني بالخصوص فأنا أعفو عنه، فهو سب بسب أو إعفاء عن ذنب، وقد سب أحد الجهلة أم أحد المعصومین (ع) فقال (ع): (إن كنت صادقاً غفر الله لها، وإن كنت كاذباً غفر الله لك) ([181]).

اما فردی که بالخصوص به من فحش می‌دهند، من از این فرد می‌گذرم، و دشنام را با دشنام باید پاسخ داد یا بخشیدن از گناه، یکی از نادان‌ها، به مادر یکی از معصومین (ع) فحش داد، ایشان علیه السلام فرمود: (اگر راست می‌گویی خداوند او را بیامرزد، و اگر دروغ می‌گویی خداوند تو را بیامرزد) ([182]).

وسب أحد الجهلة الإمام الحسن (ع) فعفا عنه وأحسن إليه الإمام الحسن (ع)، وتكرر هذا الأمر مع الإمام الكاظم (ع) فقابله بالإحسان.

یکی از نادان‌ها به امام حسن (ع) فحش داد و ایشان او را بخشید و امام حسن (ع) به او نیکی نمود، و این مسئله با امام کاظم (ع) تکرار شد و ایشان به او احسان کرد.

فالعفو والإحسان سجيتهم(ع) وسجية الأنبياء والأوصياء وأرجو من الله أن أكون كذلك.

بخشش و احسان اخلاق آنان و اخلاق پیامبران و اوصیاء(ع) است، و امیدوارم که من نیز آن گونه باشم.

قال الصادق(ع): (إن في التوراة مكتوباً: يا ابن آدم، اذكرني حين تغضب أذكرك عند غضبي، فلا أمحكك فيمن أمحك، وإذا ظلمت بمظلمة فارض بانتصاري لك، فإن انتصاري لك خير من انتصارك لنفسك)([183])، وقد رضيت بانتصار الله لي فهو نعم المولى ونعم النصير.

امام صادق علیه السلام فرمودند: (در تورات نوشته شده است: موقع خشم مرا به یاد بیاور تا موقع خشمم تو را به یاد بیاورم، و به تو آسیبی نمی‌رسانم، و زمانی که ستمی به تو کردند، به یاری من نسبت به خودت خشنود باش، یاری من برای تو بهتر از یاری خودت برای خودت می‌باشد([184])). و نسبت به یاری خداوند به من خشنودم، ایشان بهترین مولا و بهترین یاور است.

واعلموا أيها الإخوة إن هؤلاء الجهلة يعلمون إن هذه الدعوة حق (وَجَدُوا بِهَا وَاسْتَيْقَنَتْهَا أَنفُسُهُمْ ظُلْمًا وَعُلُوًّا فَانظُرْ كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الْمُفْسِدِينَ)([185])، ووجدوا أنفسهم عاجزين تمام العجز عن رد أدلتها الدامغة وهي من الثقلين القرآن وأهل البيت(ع) ومن ملكوت السماوات، فلم يجدوا إلا زعيق الشياطين وهرير الكلاب رداً ورداء تجلببوا به بعد أن أخذ الحسد من نفوسهم كل مأخذ.

ای برادران بدانید که این نادانان می‌دانند که این دعوت حق است (و با آنکه دل‌هایشان بدان یقین داشت، از روی ظلم و تکبر آن را انکار کردند. پس بین فرجام فسادگران چگونه بود)([186]). و خود را ناتوان تر از ناتوان دیدند در رد کردن دلایل

محکم که از ثقلین قرآن و اهل بیت (ع) و از ملکوت آسمان‌ها می‌باشد، و به غیر از روپوشی از ترس شیاطین و زوزه سگان ردی نیافتند و با آن خود را پوشاندند بعد از این که حسد دل هایشان را گرفت.

(أَمْ يَحْسُدُونَ النَّاسَ عَلَى مَا آتَاهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ فَقَدْ آتَيْنَا آلَ إِبْرَاهِيمَ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَآتَيْنَاهُمْ مُلْكًا عَظِيمًا) ([187])، فمثلهم (كَمَثَلِ الْكَلْبِ إِنْ تَحْمِلَ عَلَيْهِ يَلْهَثُ أَوْ تَتْرُكُهُ يَلْهَثُ ذَلِكَ مَثَلُ الْقَوْمِ الَّذِينَ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا فَاقْصُصِ الْقَصَصَ لَعَلَّهُمْ يَتَفَكَّرُونَ) ([188]). ونحن آل محمد وآل إبراهيم ونحن القوم المحسودون، وأقول لكم ما قاله الإمام المظلوم علي بن أبي طالب (ع) لعمار بن ياسر لما رآه يكلم أحد الذين أنكروا إمامته (ع): (دعه يا عمار، فإنه على عمد جعل الشبهات عاذراً لسقطاته) ([189]).

(بلکه به مردم، برای آنچه خدا از فضل خویش به آنان عطا کرده رشک می‌ورزند، در حقیقت، ما به خاندان ابراهیم کتاب و حکمت دادیم، و به آنان ملکی بزرگ بخشیدیم) ([190]) و مثل آن‌ها (مثل او همچون سگ است که اگر به او حمله کنی، دهانش را باز، و زبانش را برون می‌آورد، و اگر او را به حال خود واگذاری، باز همین کار را می‌کند؛ این مثل گروهی است که آیات ما را تکذیب کردند؛ این داستانها را بازگو کن، شاید بیندیشند) ([191])! ما خاندان محمد و خاندان ابراهیم هستیم و ما قومی هستیم که به ما حسادت شده است، و به شما سخنی را می‌گوییم که امام ستم‌دیده علی بن ابی طالب (ع) به عمار بن یاسر فرمود، وقتی دید که عمار با فردی که امامت امام علی (ع) را انکار می‌کند سخن می‌گوید: (ای عمار، او را رهاکن، او عمداً شبهات را عذری برای سقوط خود قرار داده است) ([192]).

فلا ترهقوا أنفسكم مع هؤلاء الظلمة، فليفتروا وليكذبوا وليشبهوا بما يشاءون وليقترفوا ما هم مقترفون، ونعم الحكم الله والموعد القيامة.

خودتان را با این ستمکاران خسته نکنید، بگذارید دروغ ببندند و افترا بزنند و آنچه را می‌خواهند معروف کنند و آنچه می‌خواهند را بگیرند، بله خداوند چه حاکم خوبی است و وعدگاه قیامت است.

**وَأَنِّي لَقِيْتُ وَسْأَلِقِي وَسَيْلِقِي أَبْنَائِي (ع) مِنْ بَعْدِي أَشَدَّ مِمَّا لَقِيْتُ أَبْنَائِي (ع) (فَصَبْرٌ جَمِيلٌ وَاللَّهُ الْمُسْتَعَانُ عَلَى مَا تَصِفُونَ) [193].**

من دیدم و خواهم دید و فرزندانم (ع) بعد از من بدتر از آن چه پدرانم (ع) دیدند می‌بینند (من صبر جمیل خواهم داشت؛ و در برابر آنچه می‌گویید، از خداوند یاری می‌طلبم) [194].!

**قال أبو عبد الله (ع): (إن قأمنا إذا قام استقبل من جهل الناس أشد مما استقبله رسول الله (ص) من جهال الجاهلية، قلت: وكيف ذاك؟ قال: إن رسول الله (ص) أتى الناس وهم يعبدون الحجارَةَ والصخورَ والعِبدانَ والخشبَ المنحوتة، وإن قأمنا إذا قام أتى الناس وكلهم يتأول عليه كتاب الله يحتج عليه به، ثم قال: أما والله ليدخلن عليهم عدله جوف بيوتهم كما يدخل الحر والقر) [195].**

أبو عبد الله (ع) می‌فرماید: (قائم ما چون قیام کند از جهل مردم شدیدتر از آنچه رسول خدا صلی الله علیه و آله با آن از سوی نادانان جاهلیت روبرو شد برخورد می‌کند، عرض کردم: این چگونه ممکن است؟ فرمود: همانا رسول خدا درحالی به سوی مردم آمد که آنان سنگ و کلوخ و چوبهای تراشیده و مجسمه‌های چوبین را می‌پرستیدند، و قائم ما چون قیام کند درحالی به سوی مردم می‌آید که جملگی کتاب خدا را علیه او تأویل می‌کنند و بر او بدان احتجاج می‌نمایند، سپس فرمود: بدانید به خدا سوگند که موج دادگستری او بدان گونه که گرما و سرما نفوذ می‌کند تا درون خانه‌های آنان راه خواهد یافت) [196].

فالمخوض بالباطل ديدنهم ولا حيلة لهم سواه بعد أن أصابهم الحق في مقاتلهم، فليقتفوا سيرة أسلافهم الذين اتهموا داوود(ع) بالنظر إلى امرأة عارية، واتهموا زكريا(ع) بالزنا، واتهموا مريم(ع) بالزنا، واتهموا محمداً(ص) بالنظر إلى زوجة ربيبه زيد بن حارثة، واتهموه بالاهتمام بالأغنياء والإعراض والعبوس في وجه الفقراء، واتهموه بالتهاون في طاعة الله وتطبيق الشريعة حتى قام مغضباً وخطب بهم، واتهموا علياً(ع) بالجهل بالحروب مع أنه خاض في غمراتها ولم يبلغ العشرين، واتهموه بشرب الخمر، واتهموه ... واتهموه ...

فرورفتن در باطل روش آن هاست، و زمانی که حق میدانگاه آن ها رسید، چاره ای به جز این ندارند، به رفتار گذشتگان خود رفتند کسانی که داود(ع) را متهم کردند که به خانمی برهنه نگاه کرد، وز کریا(ع) را به زنا متهم کردند، و مريم(ع) را به زنا متهم کردند، و محمد(ص) را به نگاه کردن به همسر فرد تربیت شده اش زيد بن حارثه متهم کردند، و او را به توجه به ثروتمندان متهم کردند و اینکه در صورت فقراء بد نگاه می کند و از آنان دوری می کند، و او را متهم کردند که در اطاعت خداوند و تطبیق شریعت سستی می کند، تا اینکه با حالت خشم درخواستند و برایشان خطبه ای خواند، و علی(ع) را به جهل در جنگ ها متهم کردند با اینکه در امواج جنگ فرو رفته بود با این که هنوز به بیست سالگی نرسیده بود، و او را به نوشیدن شراب متهم کردند، او را متهم به ... کردند، و او را متهم به ... کردند.

فلا يخطئون اقتفاء آثار أسلافهم (لعنهم الله) كما لا أخطأ سيرة آبائي(ع)، فلست بدعاً من الرسل (قُلْ مَا كُنْتُ بِدُعَاً مِنَ الرُّسُلِ وَمَا أَدْرِي مَا يُفَعَلُ بِي وَلَا بِكُمْ إِنْ أَتَّبِعُ إِلَّا مَا يُوحَى إِلَيَّ وَمَا أَنَا إِلَّا نَذِيرٌ مُّبِينٌ) (197).

اللجنة العلمية - أنصار الإمام المهدي (مکن الله له في الأرض)

الأستاذ أبو محمد

الأنصاري - ٢٠ / رجب / ١٤٣١

آنان در دنباله روی سیره گذشتگان شان (لعنهم الله) اشتباه نمی کنند، همان طور که من در سیره پدرانم (ع) اشتباه نمی کنم، من چیزی جدیدی نسبت به فرستادگان نیستم (بگو: «من پیامبر نوظهوری نیستم؛ و نمی دانم با من و شما چه خواهد شد؛ من تنها از آنچه بر من وحی می شود پیروی می کنم، و جز بیم دهنده آشکاری نیستم»)([198]).

هیئت علمی - أنصار امام مهدی (مکن الله له فی الأرض)

استاد أبو محمد

انصاری - ۲۰ / رجب / ۱۴۳۱



- [181] - مناقب آل أبي طالب ج 3: ابن شهر آشوب: ص 337. وبحار الأنوار ج 46 ص 289.
- [182] - مناقب آل أبي طالب ج 3: ابن شهر آشوب: ص 337. وبحار الأنوار ج 46 ص 289.
- [183] - الكافي: ج 2 ص 304.
- [184] - كافي: ج 2 ص 304.
- [185] - النمل: 14.
- [186] - نمل: 14.
- [187] - النساء: 54.
- [188] - الأعراف: 176.
- [189] - نهج البلاغة ج 4 ص 95.
- [190] - نساء: 54.
- [191] - اعراف: 176.
- [192] - نهج البلاغة ج 4 ص 95.
- [193] - يوسف: 18.
- [194] - يوسف: 18.
- [195] - غيبة النعماني: ص 297.
- [196] - غيبته نعماني: ص 297.
- [197] - الأحقاف: 9.
- [198] - احقاف: 9.

